

The Security-Building Functions of Jihad in the Holy Quran

Marjan Omid

Level 3 Student of Tafsir, Reyhaneh al-Nabi Seminary, Markazi Province, Arak.

Email: mgool3420@gmail.com

Abstract

Security is one of the most fundamental needs of human societies and a prerequisite for establishing a sustainable social order. In its system of teachings, the Holy Quran presents various mechanisms for achieving social security, one of the most prominent being "Jihad." This study, relying on selected verses regarding Jihad (nine verses) and utilizing a three-level model of social security (deterrence, crisis management, and support for vulnerable groups), analyzes the security-building functions of Jihad. The results indicate that at the first level, Jihad plays an active deterrent role against external threats, and the verses concerning "preparing strength" explain the mechanism for creating a balance of power and preventing aggression. At the second level, Jihad serves as a tool for curbing sedition and eliminating social instability, paving the way for the restoration of order by removing structures of oppression and insecurity. At the third level, Jihad creates a moral-social mission to support the oppressed and defenseless groups. Overall, the findings suggest that Jihad in the Quran is not merely a jurisprudential ruling, but one of the most significant mechanisms for generating human security and stabilizing a just order in society—a mechanism whose defensive, social, and value-based dimensions are defined in connection with justice and human dignity.

Jihad | Social Security | Social Deterrence | Social Order | Defensive Jihad

الوظائف الأمنية للجهد في القرآن الكريم

مرجان أميدي

طالبة المستوى الثالث في التفسير، حوزة ربحانة النبي (س)، محافظة مركزي، أراك.

البريد الإلكتروني: mgool3420@gmail.com

الملخص

يُعدّ الأمن أحد أكثر الاحتياجات الأساسية للمجتمعات البشرية وشرطاً مسبقاً لتشكيل نظام اجتماعي مستدام. وفي منظومته المعرفية، يقدم القرآن الكريم آليات متعددة لتحقيق الأمن الاجتماعي، من أبرزها «الجهد». تحلل هذه الدراسة الوظائف الأمنية للجهد بالاعتماد على آيات مختارة (تسع آيات) وباستخدام نموذج الأمن الاجتماعي ثلاثي المستويات (الردع، إدارة الأزمات، وحماية الفئات الضعيفة). تشير النتائج إلى أن الجهد في المستوى الأول يؤدي دوراً رادعاً فاعلاً ضد التهديدات الخارجية، حيث توضح الآيات المتعلقة بـ «إعداد القوة» آلية خلق توازن القوى ومنع حدوث العدوان. وفي المستوى الثاني، يُعد الجهد أداة لكبح الفتن وإزالة عدم الاستقرار الاجتماعي، ويوفر الأرضية لعودة النظام من خلال إزالة هياكل الظلم وانعدام الأمن. وفي المستوى الثالث، يخلق الجهد مهمة أخلاقية واجتماعية لدعم المستضعفين والفئات العاجزة عن الدفاع عن نفسها. وبشكل عام، تظهر النتائج أن الجهد في القرآن ليس مجرد حكم فقهي، بل هو أحد أهم آليات إنتاج الأمن الإنساني وتثبيت النظام العادل في المجتمع؛ وهو آلية تكتسب أبعادها الدفاعية والاجتماعية والقيمية معناها في ارتباطها بالعدالة والكرامة الإنسانية.

الجهد | الأمن الاجتماعي | الردع الاجتماعي | النظام الاجتماعي | الجهد الدفاعي

کارکردهای امنیت ساز جهاد در قرآن کریم

مرجان امیدی

طلبه سطح ۳، تفسیر، حوزه علمیه ریحانه النبی سطح ۳، استان مرکزی، اراک

mgool3420@gmail.com

چکیده

امنیت یکی از بنیادی‌ترین نیازهای جوامع انسانی و پیش شرط شکل‌گیری نظم اجتماعی پایدار است. قرآن کریم در منظومه معارف خود، سازوکارهای متعددی برای تحقق امنیت اجتماعی ارائه می‌کند که یکی از برجسته‌ترین آنها «جهاد» است. پژوهش حاضر با تکیه بر آیات منتخب جهاد (نه آیه) و بهره‌گیری از الگوی سه سطحی امنیت اجتماعی (بازدارندگی، مدیریت بحران، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر)، کارکردهای امنیت ساز جهاد را تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که جهاد در سطح نخست، نقش بازدارندگی فعال در برابر تهدیدهای بیرونی دارد و آیات مربوط به «إِعْدَادُ الْقُوَّة» سازوکار ایجاد موازنه قدرت و جلوگیری از بروز تجاوز را تبیین می‌کند. در سطح دوم، جهاد ابزاری برای مهار فتنه‌ها و رفع بی‌ثباتی اجتماعی است و با حذف ساختارهای ظلم و ناامنی، زمینه را برای بازگشت نظم فراهم می‌سازد. در سطح سوم، جهاد مأموریتی اخلاقی اجتماعی برای حمایت از مستضعفان و گروه‌های بی‌دفاع ایجاد می‌کند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که جهاد در قرآن صرفاً یک حکم فقهی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تولید امنیت انسانی و تثبیت نظم عادلانه در جامعه است؛ سازوکاری که ابعاد دفاعی، اجتماعی و ارزشی آن در پیوند با عدالت و کرامت انسانی معنا می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: جهاد، امنیت اجتماعی، بازدارندگی اجتماعی، نظم اجتماعی، جهاد دفاعی.

مقدمه

جهاد از مهم‌ترین اصطلاحات فقهی در شریعت اسلامی است و به معنای «مبارزه در راه خدا با جان و مال، در برابر مشرکان و باغیان، برای اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر الهی» به کار می‌رود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۳). این مفهوم در شمار فروع دین قرار گرفته و از جایگاه تشریعی ویژه‌ای برخوردار است (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۰). فقیهان نیز در آثار خود باب مستقلی را با عنوان «جهاد» گشوده و احکام آن را به صورت مبسوط و نظام‌مند بررسی کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۰). واژه «جهاد» و مشتقات آن حدود سی و پنج بار در قرآن کریم به کار رفته است که نشان‌دهنده اهمیت این مفهوم در گفتمان قرآنی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۹). افزون بر این، روایات فراوانی درباره احکام و فضیلت جهاد در منابع حدیثی نقل شده که فقیهان در استنباط احکام شرعی به آنها استناد می‌کنند (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۱، ص ۴).

در ادبیات امنیت طی دوره‌ی میان جنگ جهانی اول تا پایان جنگ سرد، برداشت غالب، نگاهی دولت‌محور بود که امنیت را عمدتاً در چارچوب بقای دولت و تقویت قدرت نظامی تعریف می‌کرد. براساس این رویکرد کلاسیک، تهدیدات عمدتاً ماهیتی خارجی و نظامی داشتند و سایر ابعاد امنیتی در حاشیه قرار می‌گرفتند. (درویشی، ۱۳۷۶) با این حال، بخشی از پژوهش‌های امنیتی در همین دوره به تدریج نقش جامعه را نیز وارد معادله امنیت کردند. این مطالعات، جامعه را هم به منزله‌ی یکی از ابعاد امنیت دولت و هم به عنوان یک «مرجع

امنیت» مستقل در کنار دولت مورد توجه قرار دادند؛ رویکردی که نوید گذار از امنیت صرفاً دولت‌محور به امنیت چندبنيانی را نشان می‌داد (نصری، ۱۳۹۰: ۴۴).

امنیت، هسته مرکزی پایداری هر جامعه و زیربنای شکوفایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. قرآن کریم در کنار ارائه مبانی توحیدی و اخلاقی، سازوکارهایی عملی برای ایجاد و تثبیت امنیت در جامعه فراهم می‌کند. یکی از کلیدی‌ترین این سازوکارها «جهاد» است؛ مفهومی که در گفتمان دینی غالباً در چارچوب احکام فقهی یا جنگ‌های صدر اسلام بررسی شده، اما کمتر به صورت تحلیلی در چارچوب نظریه‌های امنیت اجتماعی مطالعه شده است. در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تلاش شده است تا با تامل و تحلیل دوباره آیات به تبیین کارکردهای امنیت‌ساز جهاد در ساحت امنیت اجتماعی پرداخت. با این نگاه، جهاد نه صرفاً یک حکم فقهی مقطعی، بلکه بخشی از نظریه کلان قرآن درباره «نظم و امنیت اجتماعی عادلانه» است.

اصل بحث و یافته‌ها

تحلیل آیات جهاد و استخراج الگوی امنیت اجتماعی

برای فهم کارکردهای امنیت‌ساز جهاد در قرآن کریم، بررسی مجموعه‌ای از آیات جهاد ضروری است؛ زیرا مفهوم جهاد در قرآن به صورت یک حکم منفرد مطرح نشده بلکه در قالب منظومه‌ای از آیات بیان شده است که هر یک بُعدی از فلسفه و کارکرد آن را روشن می‌کنند. در این پژوهش نه آیه از آیات مهم جهاد مورد

تحلیل قرار گرفته است تا از خلال آن‌ها الگوی قرآنی امنیت اجتماعی استخراج شود.

(۱) «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». (آیه ۱۹۰ سوره بقره) این آیه از بنیادی‌ترین آیات در تبیین ماهیت جهاد در قرآن به شمار می‌رود. از منظر امنیت اجتماعی، این آیه نوعی تنظیم حقوقی برای استفاده از قدرت نظامی ارائه می‌دهد و مانع از تبدیل جنگ به خشونت بی‌ضابطه می‌شود.

(۲) «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (آیه ۱۹۳ سوره بقره). در این آیه مفهوم «فتنه» محور اصلی قرار گرفته است. فتنه غالباً به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن ظلم، فشار و سلطه گروهی بر جامعه مانع از تحقق عدالت و آزادی می‌شود. هنگامی که ساختارهای اجتماعی تحت سلطه ظلم یا سرکوب قرار می‌گیرند، امنیت اجتماعی به شدت تضعیف می‌شود. بنابراین یکی از کارکردهای مهم جهاد در قرآن، ایجاد شرایطی است که در آن جامعه از سلطه و بی‌ثباتی‌های پاید و نظم اجتماعی عادلانه برقرار گردد.

(۳) «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ». (آیه ۲۱۶ سوره بقره) قرآن تصریح می‌کند که جنگ امری ناخوشایند برای انسان است ولی بر ضرورت پذیرش مسئولیت جمعی برای دفاع از جامعه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که حفظ امنیت اجتماعی نیازمند مشارکت فعال اعضای جامعه است.

(۴) «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ

وَالْوِلْدَانَ». (آیه ۷۵ سوره نساء) در این آیه جهاد به طور مستقیم با دفاع از مستضعفان پیوند خورده است. مستضعفان در اینجا به مردان، زنان و کودکان اشاره دارد که تحت فشار و ظلم قرار گرفته‌اند و توانایی دفاع از خود را ندارند. در این چارچوب، جهاد می‌تواند به عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق انسان‌ها در برابر ظلم و سرکوب تلقی شود. چنین رویکردی با مفهوم «امنیت انسانی» در ادبیات معاصر امنیت همخوانی دارد؛ مفهومی که بر حفاظت از جان و کرامت انسان‌ها تأکید دارد.

۵) «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». (آیه ۶۰ سوره انفال) این آیه مسلمانان را به آمادگی دفاعی فرا می‌خواند و بر ضرورت تقویت توان نظامی و اجتماعی جامعه جهت ایجاد هراس در دشمنان و جلوگیری از تجاوز تأکید می‌کند. این منطق با آنچه در نظریه‌های امنیتی معاصربه عنوان «بازدارندگی» شناخته می‌شود قابل مقایسه است.

۶) «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا». (آیه ۶۱ سوره انفال) این آیه نشان می‌دهد که در صورت تمایل دشمن به صلح، پذیرش صلح با تحقق شرایط مورد نظر جبهه حق اولویت دارد. از منظر امنیت اجتماعی، این اصل نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها دارد.

۷) «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا». (آیه ۴۱ سوره توبه) این آیه دفاع از جامعه را به عنوان مسئولیتی جمعی مطرح می‌کند. هنگامی که اعضای جامعه خود را در حفظ امنیت مسئول بدانند، توان جامعه برای مقابله با بحران‌ها افزایش می‌یابد.

۸) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (آیه ۱۲۲ سوره توبه) این آیه نشان می‌دهد که جامعه اسلامی باید میان وظایف مختلف خود توازن برقرار کند. چنین رویکردی بیانگر آن است که امنیت اجتماعی در قرآن صرفاً به قدرت نظامی وابسته نیست، بلکه به مدیریت و سامان‌دهی درست جامعه نیز بستگی دارد.

۹) «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا». (آیه ۳۹ سوره حج) در این آیه، علت مشروعیت جهاد ظلمی معرفی شده است که بر جامعه تحمیل شده است. این مسئله نشان می‌دهد که جهاد در قرآن پاسخی به وضعیت ظلم و تجاوز است و هدف آن بازگرداندن عدالت به جامعه است.

کارکردهای سه‌گانه امنیت‌ساز جهاد در قرآن

تحلیل آیات منتخب نشان داد که جهاد در منطق قرآنی صرفاً یک دستور نظامی یا راهبرد جنگی نیست، بلکه بخشی از یک نظام هنجاری برای حفظ جامعه است. قرآن کریم جهاد را در چارچوبی تنظیم کرده است که در آن هم مشروعیت اقدام نظامی محدود به شرایط خاص می‌شود و هم اصول اخلاقی و انسانی حتی در شرایط جنگ مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این رو، جهاد در قرآن بیش از آنکه به معنای گسترش خشونت باشد، سازوکاری برای مدیریت تهدیدها و بازگرداندن جامعه به وضعیت امن و عادلانه به شمار می‌آید.

بررسی آیات نشان داد که جهاد در قرآن همواره با قیدهایی همراه است که

ماهیت دفاعی و اصلاحی آن را آشکار می‌سازد. آیاتی مانند آیه ۱۹۰ سوره بقره بر محدود بودن جنگ به مقابله با تجاوز تأکید دارند و از هرگونه تعدی و تجاوز در جریان نبرد نهی می‌کنند. همچنین آیاتی که هدف جهاد را رفع فتنه و مقابله با ظلم معرفی می‌کنند، نشان می‌دهند که جهاد زمانی مطرح می‌شود که نظم عادلانه اجتماعی دچار اختلال شده باشد. بدین ترتیب، جهاد در قرآن واکنشی به شرایطی است که در آن امنیت جامعه تهدید شده یا حقوق انسان‌ها مورد تعرض قرار گرفته است.

بررسی آیات مورد مطالعه در این پژوهش نشان می‌دهد که جهاد در قرآن دارای سه کارکرد اساسی در حوزه امنیت اجتماعی است که در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای حفظ ثبات و عدالت در جامعه فراهم می‌کنند.

نخستین کارکرد جهاد، ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدهای بیرونی و تضمین امنیت جامعه اسلامی در برابر مخاطرات احتمالی است. در منظومه مفهومی قرآن کریم، جهاد صرفاً به معنای کنش نظامی در میدان نبرد نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان برای صیانت از حیات اجتماعی و سیاسی جامعه مؤمنان به شمار می‌آید. آیات مرتبط با آمادگی دفاعی، به‌ویژه آیه ۶۰ سوره انفال که مسلمانان را به فراهم آوردن «قوه» و ابزارهای لازم برای مقابله با دشمنان فرا می‌خواند، بیانگر آن است که قرآن کریم بر ضرورت تقویت توانمندی‌های دفاعی جامعه تأکید جدی دارد. مفهوم «قوه» در این آیه، مفهومی گسترده است که می‌تواند طیفی از ظرفیت‌های مادی، انسانی، سازمانی و حتی روانی را در برگیرد؛ به گونه‌ای که



جامعه اسلامی در برابر تهدیدهای احتمالی، از آمادگی لازم برخوردار باشد و بتواند از موجودیت و ارزش‌های بنیادین خود دفاع کند.

براین اساس، هدف اصلی از این آمادگی دفاعی صرفاً ورود به جنگ یا گسترش منازعه نیست، بلکه ایجاد وضعیتی بازدارنده است که در آن دشمنان بالقوه از اندیشه تجاوز یا تعرض به جامعه اسلامی منصرف شوند. در واقع، قرآن با تأکید بر تقویت توان دفاعی، به دنبال شکل‌دهی نوعی امنیت پیشگیرانه است؛ امنیتی که از طریق نمایش قدرت و آمادگی، زمینه‌های بروز درگیری را کاهش می‌دهد.

دومین کارکرد جهاد در قرآن، تثبیت نظم اجتماعی و پایان دادن به وضعیت‌های بی‌ثبات و بحران‌زا است. در نگاه قرآنی، امنیت اجتماعی هنگامی پایدار می‌ماند که ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی بر مدار عدالت و قسط سامان یابد؛ در غیر این صورت، گسترش ظلم و بی‌عدالتی به شکل‌گیری شرایطی منجر می‌شود که نظم عمومی را مختل کرده و جامعه را در معرض آشوب و ناامنی قرار می‌دهد. در چنین بستری، جهاد به عنوان یکی از سازوکارهای اصلاحی برای مقابله با وضعیت‌های بحران‌زا مطرح می‌شود. آیه ۱۹۳ سوره بقره که هدف جهاد را رفع «فتنه» معرفی می‌کند، به روشنی نشان می‌دهد که جهاد در شرایطی مطرح می‌شود که ساختار اجتماعی دچار اختلال و بی‌ثباتی شده باشد. مفهوم «فتنه» در ادبیات قرآنی مفهومی چندلایه است و می‌تواند به سلطه‌گری، سرکوب دینی، ایجاد ناامنی اجتماعی یا تحمیل شرایطی اشاره داشته باشد که در آن کرامت

انسانی و حقوق اساسی افراد پایمال می‌شود. از این منظر، جهاد نه کنشی صرفاً نظامی، بلکه تلاشی برای رفع موانعی است که مانع استقرار عدالت و آرامش در جامعه می‌شوند.

می‌توان گفت که در منطق قرآن، جهاد یکی از سازوکارهای تنظیم و اصلاح نظم اجتماعی در شرایط اختلال ساختاری به شمار می‌آید. این کارکرد زمانی فعال می‌شود که ظلم، سرکوب یا بی‌ثباتی به مرحله‌ای برسد که امنیت و عدالت اجتماعی به طور جدی تهدید گردد. از این منظر، جهاد نه ابزاری برای گسترش خشونت، بلکه راهکاری برای مهار بحران و بازگرداندن جامعه به وضعیت تعادل و ثبات تلقی می‌شود. چنین برداشتی نشان می‌دهد که جهاد در قرآن با هدف استقرار نظمی عادلانه و پایدار در حیات اجتماعی انسان‌ها تشریع شده است.

سومین کارکرد مهم جهاد در قرآن، حمایت از مستضعفان و دفاع از امنیت انسانی است. آیه ۷۵ سوره نساء که مسلمانان را به دفاع از مردان، زنان و کودکانی که تحت فشار و ستم قرار گرفته‌اند فرا می‌خواند، یکی از روشن‌ترین بیان‌های قرآنی درباره این کارکرد به شمار می‌آید. در این آیه، جهاد به عنوان وسیله‌ای برای نجات انسان‌هایی معرفی شده است که توانایی دفاع از خود را ندارند و در معرض ظلم قرار گرفته‌اند. این نگاه نشان می‌دهد که امنیت در قرآن تنها به معنای حفظ مرزهای سیاسی یا قدرت نظامی نیست، بلکه شامل حفاظت از جان، کرامت و حقوق انسان‌ها نیز می‌شود. به بیان دیگر، جهاد در این سطح ابزاری برای حمایت از انسان‌های آسیب‌پذیر و جلوگیری از استمرار ظلم و ستم در جامعه است.



برآیند این سه کارکرد نشان می‌دهد که جهاد در قرآن در قالب یک الگوی امنیتی جامع قابل فهم است؛ الگویی که در آن بازدارندگی در برابر تهدیدهای بیرونی، مقابله با بی‌ثباتی اجتماعی و حمایت از مستضعفان به صورت مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. در چنین چارچوبی، جهاد نه یک هدف مستقل، بلکه ابزاری برای حفظ امنیت، عدالت و ثبات در جامعه به شمار می‌آید. این برداشت نشان می‌دهد که مفهوم جهاد در قرآن را می‌توان در چارچوب یک نظام امنیت اجتماعی مبتنی بر عدالت تحلیل کرد؛ نظامی که هدف نهایی آن ایجاد جامعه‌ای امن، باثبات و عادلانه است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که نگاه قرآن به جهاد نگاهی کارکردی و هدف‌محور است؛ به این معنا که جهاد نه به عنوان غایتی مستقل، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف والایی مطرح می‌شود. چنین برداشتی نشان می‌دهد که مفهوم جهاد در قرآن را باید در چارچوب منظومه‌ای از ارزش‌ها و اهداف اجتماعی تحلیل کرد که در آن حفظ کرامت انسانی، جلوگیری از ظلم و تأمین امنیت جامعه جایگاهی اساسی دارند. از این منظر کارکردهای امنیت‌ساز جهاد را می‌توان در سه محور ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدهای بیرونی، تثبیت نظم اجتماعی و پایان دادن به وضعیت‌های بی‌ثبات و بحران‌زا، حمایت از مستضعفان و دفاع از امنیت انسانی سامان داد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بازخوانی آیات جهاد با رویکرد امنیت

اجتماعی می‌تواند فهمی دقیق‌تر و جامع‌تر از فلسفه تشریع جهاد در قرآن ارائه دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که جهاد در قرآن نه یک مفهوم خشونت‌محور، بلکه سازوکاری برای دفاع از جامعه، حمایت از انسان‌ها و برقراری نظم عادلانه در روابط اجتماعی است.



منابع و مآخذ

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن. *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱.
۲. جمعی از نویسندگان. *فرهنگ فقه فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷ش، ج ۳.
۳. درویشی، فرهاد. *تأملی نظری بر امنیت ملی: تمهیدات و رهیافت‌ها*. تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۶.
۴. مطهری، مرتضی. *جهاد*. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ش.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی. *جنگ و جهاد در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ش.
۶. نجفی، محمدحسن. *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش، ج ۲۱.
۷. نصری، قدیر. «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت». *مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۴.